

## اصول اخلاقی هوش مصنوعی در نسخه پنتاگون



ولادیمیر پراخواتیلوف (VLADIMIR PROKHAVATILOV) ا. م. شیری

### هنوز پرده راز از روی آن برداشته نشده است

به گزارش وبسایت رسمی پنتاگون، وزارت دفاع آمریکا رسماً اصول اخلاقی استفاده از هوش مصنوعی را [تأیید کرد](#).

مارک اسپر، وزیر دفاع ایالات متحده با اظهار نظری در باره این پست اظهار داشت: «ایالات متحده به همراه متحدان و شرکای خود باید به زودی استفاده از هوش مصنوعی را برای پیروزی در میدان نبرد و حفاظت از نظم بین‌المللی آغاز کنند... با پذیرش اصول اخلاقی هوش مصنوعی پایبندی وزارت دفاع به بالاترین استانداردهای اخلاقی تعیین‌شده در استراتژی هوش مصنوعی را افزایش خواهد داد...».



پنتاگون پنج اصل اساسی مطرح می‌کند: هوش مصنوعی باید «مسئولانه»، «متناسب»، «قابل درک»، «قابل اعتماد» و «قابل مدیریت» باشد. تأکید می‌شود که این اصول اخلاقی بر معیارهای اخلاقی نیروهای مسلح آمریکا مبتنی است که بر اساس قانون اساسی آمریکا، فصل ۱۰ قانون آمریکا، قانون جنگ، معاهدات بین‌المللی و همچنین قواعد جنگی تعریف شده است.

این پنج اصل در مورد استفاده از ربات‌های جنگی (سامانه‌های تسلیحاتی خودگردان) در میدان جنگ اعمال می‌شود. ربات رزمی دستگاهی است که به طور مستقل برای جستجوی هدف و شلیک روی آن تصمیم می‌گیرد. چند سالی است که جامعه کارشناسان آمریکا در مورد قابل قبول بودن چنین درجه بالایی از استقلال تجهیزات تسلیحاتی خودکار بحث می‌کنند. تعدادی از کارشناسان مایلند که تصمیم به گشودن آتش باید توسط یک فرد،

یعنی متصدی ربات جنگی گرفته شود. و اصول اخلاقی پذیرفته شده هوش مصنوعی به این معنی است که هوش مصنوعی یک ربات رزمی، باید توسط متصدی به طور دقیق و قابل اعتماد کنترل شود تا از گشودن تصادفی آتش بر روی یک شیء دشمن قادر به یک حمله تلافی جویانه خردکننده (روسیه و چین)، جلوگیری کند.

همچنین استفاده از هوش مصنوعی برای دستیابی به حداکثر جمع آوری و تجزیه و تحلیل خودکار داده‌ها و ایجاد یک تلویزیون دیجیتال (رقومی) فراگیر در فضای به اصطلاح چند دامنه‌ای مورد نیاز است. حوزه (دامنه) جنگ در ایالات متحده نه تنها به عنوان عملیات نظامی سنتی، بلکه به عنوان رویارویی در زمینه دیپلماسی، جنگ اطلاعاتی و مالی-اقتصادی، رویارویی تکنولوژیک و جاسوسی صنعتی و همچنین تحریک درگیری‌های داخلی در کشورهای هدف با حمایت از مخالفان به رسمیت شناخته می‌شود.

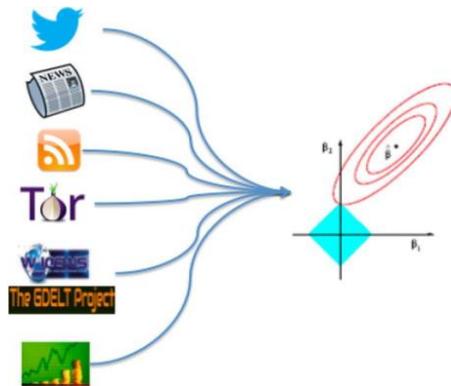
پنتاگون توجه ویژه‌ای به سازماندهی اعتراضات اجتماعی به عنوان ارزان‌ترین شکل رویارویی در کشورهای هدف دارد. [نقش اصلی](#) در نظارت و سازماندهی اعتراضات اجتماعی در سرتاسر جهان را مرکز ملی اطلاعات بیوتکنولوژی آمریکا، واقع در [یتسدا](#)، [مریلند](#)، ایفا می‌کند و هماهنگی کارگروه‌های مختلف دانشمندان در چارچوب [پروژه امبرز](#) (EMBERS) پنتاگون را به عهده دارد.



پروژه امبرز در نتیجه مسابقه‌ای که در سال ۲۰۱۲ توسط جیسون متنی ( Jason Matheny)، یکی از کارمندان «[IARPA](#)» (فعالیت‌های پروژه‌های تحقیقاتی پیشرفته هوش)، بخشی از دفتر مدیر اطلاعات ملی ایالات متحده سازماندهی شد، پدید آمد. از سه تیم - از انستیتوی پلیتکنیک ویرجینیا تک، شرکت محاسبات کوانتومی فناوری‌های بی‌بی‌ان ریتون در کمبریج، ماساچوست و آزمایشگاه تحقیقاتی هیوز در مالیبو، کالیفرنیا - خواسته شد تا یک مدل پیش‌بینی اعتراض اجتماعی بسازند. پروژه «اخگرهای در حال سوختن» که توسط تیمی از دانشمندان ویرجینیا تک پیشنهاد شده بود، برنده شد.

تیم ویرجینیا بهترین [سنتور](#)، همزیستی از هوش جمعی افراد و الگوریتم‌های نرم‌افزاری را ایجاد کرده است. [همانطور که نوشتیم](#)، توسعه‌دهنده اصلی این الگوریتم‌ها [گیزم کورکماز](#) (Gizem Korkmaz)، استاد دانشگاه ویرجینیا و محقق اصلی پروژه [Minerva](#) پنتاگون بود. او مدل‌های شبکه‌ای و آماری را که با منابعی مانند [رسانه‌های اجتماعی](#)، [خبری و وبلاگ‌ها](#)، حتی مرورگر «تور» ([Tor](#)- سیستم سرور نیابتی که امکان اتصال شبکه‌ای ناشناس را از شنود محافظت می‌کند)، «[برای پیش‌بینی اعتراضات](#)

## اجتماعی، اعتصابات و نتایج انتخابات در کشورهای مورد هدف در آمریکای لاتین کار می‌کنند»، توسعه داد.



گیزم کورکماز **می‌گوید:** «ناآرامی‌های مدنی (اعتراضات، اعتصابات و «تسخیر کردن‌ها»)، از اعتراضات کوچک غیرخشونت‌آمیز با هدف حل مشکلات خاص تا رویدادهایی را که به شورش‌های دسته‌جمعی تبدیل می‌شوند، شامل می‌شود. جامعه‌شناسان و سیاست‌گذاران به شناسایی و پیش‌بینی این رویدادها بسیار علاقه‌مند هستند. زیرا، می‌توانند به تغییرات اجتماعی و فرهنگی مهمی منجر شوند».

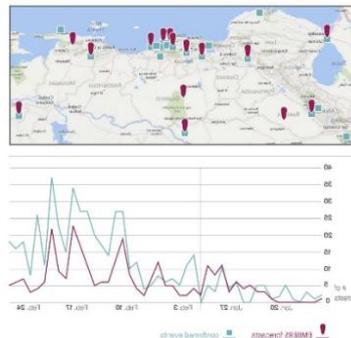
این نسخه رسمی وظایف تعیین‌شده توسط پنتاگون برای توسعه‌دهندگان و شرکت‌کنندگان در پروژه‌های **مینروا** و **امبرز** است. **در واقع، هدف این پروژه‌ها تحریک اعتراضات اجتماعی و توسعه برنامه نظامی دستگاہ چشم‌انداز انسانی هستند.** این پروژه‌ها که انسان‌شناسان، جامعه‌شناسان، دانشمندان علوم سیاسی و زبان‌شناسان در توسعه آن مشارکت داشتند، در سال ۲۰۱۹ ده‌ها کشور را در سراسر جهان تحت تأثیر قرار داد و **طرح‌هایی را برای کنترل ذهنیت مردم عراق و افغانستان در زمان تهاجم ارتش آمریکا به آن کشورها ارائه داد.**

از زمان راه‌اندازی آن در سال ۲۰۰۷، برنامه «HTS» مورد انتقاد مردم‌شناسان و روزنامه‌نگاران قرار گرفته است. در ۳۱ اکتبر ۲۰۰۷، هیئت اجرایی انجمن مردم‌شناسی آمریکا بیانیه‌ای علیه «HTS» صادر کرد و آن را «استفاده غیرقابل قبول از تخصص انسان‌شناسی» و بر خلاف منشور اخلاقی عنوان کرد. در سال ۲۰۱۴، مردم‌شناسان آمریکایی موفق شدند برنامه شستشوی مغزی برای مردم عراق و افغانستان را متوقف کنند.

هنگام اجرای پروژه‌های مینروا و امبرز، دانشمندان در صحنه عملیات حضور ندارند. و هیچ عملیات نظامی اجرای نمی‌شود. رایانه‌های قدرتمند با نظارت شبانه‌روزی بر میلیون‌ها منبع در کشورهای هدف، وقایع و رویدادهای بی‌اهمیت را طبق الگوریتم‌های تعیین‌شده از صافی می‌گذرانند. سپس این اطلاعات به متخصصان موضوع، متخصصان تحقیقات میان رشته‌ای ارائه می‌شود. آن‌ها وظیفه دارند وزن رویدادهای خاص، یعنی درجه اهمیت داده‌ها را تعیین کنند. با استفاده از روش تقریب‌های متوالی (تکراری)، سنتور جمعی (افراد و الگوریتم‌ها) به اصطلاح پارامترهای نظم را تعیین می‌کند- تعداد از عوامل بحرانی که اگر «داغ شوند»

می‌توانند «آتش زیر خاکستر» را روشن کنند. اعتراضات موجب برانگیختن «انقلاب رنگی» در یک کشور خاص می‌گردد. این روش زمینه «بهار عربی» را در کشورهای خاورمیانه آماده کرد.

در این حالت، هوش مصنوعی نقش یک ابزار مرتب‌سازی را برای صدها هزار عامل-منبع بازی می‌کند. به اصطلاح مدل‌سازی **چندعاملی** صورت می‌گیرد. آسیب‌پذیرترین نقاط کشور هدف توسط کارشناسان متخصصی که به عنوان نقطه‌بین «آتش اطلاعات» مانند توپخانه عمل می‌کنند، مشخص می‌شوند. آن‌ها فعالیت بسیاری از سازمان‌های غیردولتی، سیاستمداران اپوزیسیون، خودی‌ها در محافل حاکم را تصحیح می‌کنند.



**الگوریتم‌های مرتب‌سازی عامل** با مشارکت تحلیلگران مشخصات شرکت «MITER» در فرآیند تطبیق پیش‌بینی‌های انجام شده توسط تیم **ویرجینیا تک** با رویدادهای واقعی بهینه‌سازی می‌شوند. شرکت «MITER» همانطور که قبلاً نوشتیم، **ستاد عملیاتی پنتاگون** برای سازماندهی اعتراضات اجتماعی و ناآرامی‌های مدنی در کشورهای مختلف جهان است.

مدل‌سازی فرآیندهای اجتماعی بر اساس الگوریتم‌های رویکرد چند عاملی در سراسر جهان، از جمله در روسیه به طور گسترده استفاده می‌شود. اما، فقط پنتاگون برای اقدامات خرابکارانه از هوش مصنوعی استفاده می‌کند.



پروژه‌های امبرز و مینروا به طور ارگانیک در چنین تحولات استراتژیک پنتاگون به عنوان نیروی اجباری گنجانده شده است. و تمام این فعالیت‌های خرابکارانه **در پشت پرده کار تحقیقاتی** پنهان می‌شود. هنوز پرده راز از روی آن برداشته نشده است.

نقل از: [وبگاه بنیاد رهنگ راهبردی](#)

۱۹ خرداد-جوزا ۱۴۰۲